

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبیر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه شمس، ۲۷ ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الشَّمْسِ وَ ضَحَّتْهَا (۱)

وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّتْهَا (۲)

وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّتْهَا (۳)

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَتْهَا (۴)

وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَتْهَا (۵)

وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّتْهَا (۶)

وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّتْهَا (۷)

فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَتْهَا (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّتْهَا (۹)

وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّتْهَا (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَتْهَا (۱۱)

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَتْهَا (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَتِهَا (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّتْهَا (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

سوره شمس بیشترین تعداد قسم پشت سر هم را در قرآن دارد. قسم‌ها به عناصر طبیعت هست.

به گسترش نور خورشید

به تالی بودن ماه، نور خورشید را منعکس می‌کند، از پی خورشید می‌رود.

به روز که دنیا را جلوه می‌دهد.

به شب وقتی که می‌پوشاند.

به آسمان و آن بزرگی و عظمتی که آسمان را بنا کرده است.

به زمین و آن شگفت‌انگیزی که زمین را گسترده کرده است و امکانات مختلف را برای ما در آن فراهم کرده است.

به نفسی که خدا آن را خیلی با عظمت می‌داند و خدای بزرگی که این نفس را تسویه کرده است.

تسویه کرده یعنی ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را با هم هماهنگ کرده و یک نظامی به آن بخشیده است.

نفس در یک وضعیت بسیار متعادلی خلق شده و ما هستیم و نفسمان که باید مدیریتش کنیم.

در قسم آخر ف آمده، انگار دارد قسم‌ها را تکمیل می‌کند. پس به نفس الهام کرد، فجور و تقوای نفس را.

فجور یعنی چیزی که به نفس آسیب می‌زند و تعادل نفس را بهم می‌زند و نظم و نظامش را از بین می‌برد.

تقوا هم یعنی چیزهایی که آدم را حفظ و مدیریت می‌کند و جلوی آسیب رسیدن به نفس را می‌گیرد.

هر نفسی درون خود درک می‌کند چی فجور هست و چی تقوا هست.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾

هر کس این نفس را تزکیه کرد به فلاح و رستگاری رسید.

تزکیه کرد یعنی تر و تمیزش کرد. به آن رسیدگی کرد. مثل هرس کردن است، چیزهای اضافی را از متن

اصلی حذف کردن است. نگذاریم آلوده شود. مثلاً گردو خاک و زنگار یک چیز را پاک کردن.

نفس خودش به سامان و هماهنگ است ولی باید تزکیه شود. تزکیه نفس انسان را به فلاح می‌رساند.

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾

هر کس نفس را تسدیس کرد،

تسدیس یعنی آن را به آلودگی پوشاند، با دلایل ناحق جلوی رشدش را گرفت و نگذاشت که درست رشد کند. قد خاب یعنی ناامید شده است.

خاب از مصدر خیبه یعنی ناامیدی بعد از امیدواری. یعنی اول خیلی امیدوار بوده که به نتیجه می‌رسد، یک دفعه حالش گرفته می‌شود و ناامید می‌شود.

انسان اگر اجازه ندهد که نفسش شکوفا شود و در آن مسیری که خدا قرار داده است، رشد خود را انجام دهد، دچار یک باخت و ناامیدی بزرگ می‌شود

سوره شمس با قسم به عناصر طبیعی شروع می‌شود که هماهنگ هستند و این هماهنگی را حفظ می‌کنند و پیش می‌روند، بعد خداوند نفس را معرفی می‌کند که نفس انسان هم مثل بقیه طبیعت هماهنگ است ولی اختیار دارد. می‌تواند با توان خودش انتخاب کند. فجور و تقوا را به او الهام کرده و می‌فهمد که چه چیزی به او آسیب می‌زند و چه چیزی از آسیب دورش نگه می‌دارد. حالا این انسان وظیفه دارد خود را تزکیه کند. اگر تزکیه کند به فلاح می‌رسد و اگر نکند و مانع رشدش شود، دچار بازندگی بزرگ و ناامیدی می‌شود.

بعد به یک نمونه اجتماعی اشاره می‌کند:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾

قوم ثمود بجای اینکه تقوا داشته باشند و خودشان را مهار کنند، طغوا داشتند، طغیان داشتند، برعکس تقوا. تقوا نگه داری می‌کند که از محدوده‌ها خارج نشود ولی طغوا یعنی از محدوده‌ها خارج می‌شود. قوم ثمود طغیان کردند و حقایق را نپذیرفتند.

این طغیان و تکذیب در این موقعیت اتفاق افتاد:

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾

هنگامی که در این قوم، شقی ترینشان برانگیخته شد. توجه قوم رفت به این شقی ترین‌ها و این شقی‌ها آمدند بالا.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾

رسول خدا وقتی دچار انحراف شدند، آن‌ها را به آیه خدا تذکر داد، آیه خدا در قوم

ثمود یک شتر بود که از دل سنگ کوه بیرون آمده بود که معجزه خدا بود. قرار بود که این ناقه در بین قوم باشد و با دیدنش به یاد خدا بیفتند ولی اجازه بدهند که در موعد مشخصی آب بخورد.

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾

ولی آن‌ها تکذیب کردند. یک تکذیب قبلا کرده بودند، یک تکذیب هم اینجا کردند. ناقه را پی کردند و از بین بردند. خداوند به واسطه گناه آنها دمدم علیهم، عذاب را روی سرشان ریخت مثلا اینکه سقف روی سر آدم بیاید. این نتیجه طبیعی گناهشان بود.

این که می‌گوید خداوند یک فعلی را انجام می‌دهد، این با فعل ما فرق دارد. در واقع این یک قانون در عالم است که به واسطه اینکه آن‌ها تکذیب کردند و ناقه را پی کردند، دچار عذاب شدند.

این‌ها وقتی از چهارچوب تسویه خارج شده بودند و از این هماهنگی که در عالم هست خارج شده بودند، به طور طبیعی عالم آن‌ها را حذف کرد و عالم تسویه شد.

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

خداوند از عاقبتشان نمی‌ترسد. می‌تواند کنایه باشد از اینکه ما باید از عاقبت بترسیم. باید بترسیم که بهترین انسان‌ها سختی‌های زیادی متحمل شدند و جان خود را از دست دادند، برای اینکه انسان‌ها هدایت شود، یعنی دچار آن عذاب و ناامیدی و خبیثه نشوند. با این همه هزینه‌ای که خدا برای ما کرده، اگر دچار این عذاب شویم، خدا که از این عاقبت نمی‌ترسد، به خدا که ضرری نمی‌رسد. این از مهربانی خدا بوده که انبیا را برای هدایت ما فرستاده است. ما باید از عاقبت بترسیم و به تذکرات توجه کنیم.

ارائه سوره برای بچه‌های دبستانی

سوره شمس سوره‌ای برای شکوفایی و اصلاح توان‌هاست.

از همه مطالب سوره، بحث شکوفایی توان‌ها را برای بچه‌ها بیان می‌کنیم. اینکه

انسان یک نفس و توان‌هایی دارد که تسویه هست و باید تزکیه شود. شاید این اصلی‌ترین حرف سوره باشد.

این را با یک سیر به بچه‌ها آموزش می‌دهیم:

- همانطور که سوره با قسم به عناصر طبیعی خورده است ما هم با عناصر طبیعی شروع می‌کنیم و بچه‌های پایه اول را با طبیعت و تسویه طبیعت مواجه می‌کنیم. البته اسمی از تسویه نمی‌آوریم.
- ارتباط این عناصر را با زندگی انسان می‌گوییم.
- در پایه سوم شکوفایی توان‌ها با مهار و جهت‌دهی‌شان یعنی تزکیه را می‌گوییم.
- در پایه چهارم بچه‌ها باید توان‌هایشان را با عرضه بر یک جمع اصلاح نمایند. مثلاً یک کسی خروجی توانایی‌اش را در جمعی عرضه کند و باز خورد بگیرد و اصلاح کند.
- بعد بحث تقوای سوره (فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا) مطرح می‌شود که باید نفسشان را تزکیه کنند و توان‌هایشان را مدیریت کنند و رشد دهند. بچه‌ها باید یاد بگیرند که با رعایت قوانین، با رعایت آداب مربوط به توان‌هایشان جلوی آسیب‌ها را بگیرند.
- در نهایت بچه‌ها یاد می‌گیرند که توان جمعی خود را فعال کنند.

تدبر در سوره

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿۱﴾

سوره مبارکه شمس با قسم به خورشید آغاز می‌شود؛

در قرآن هر کلمه‌ای که می‌آید در بردارنده یک معناست؛ این معنا می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. علاوه

بر خورشیدی که ما می‌شناسیم، هر ستاره نورانی که نورش از خودش باشد و سیاره‌های مختلفی از آن نور

بگیرند و منشا حیات باشد، مصداق شمس است. به همین دلیل در روایت آمده که شمس پیامبر(ص) است و

قمر، امیرالمومنین(ع)؛ و علامه(ره) فرموده‌اند اینکه پیامبر(ص) و امیرالمومنین(ع)، به عنوان شمس و قمر

مطرح شده‌اند، استعاره و مجاز نیست بلکه حقیقت شمس و قمر و یکی از مصادیق این‌ها هستند. چون قرآن

به معانی اشاره می‌کند. پیامبر(ص) مصداقی از آن حقیقت نورانی حیات بخشی

هست که بقیه از آن نور می‌گیرند. وجودی که تالی پیامبر(ص) است و نور ایشان را منعکس می‌کند و وقتی شما آن را می‌بینید انگار دارید نور پیامبر(ص) را می‌بینید، امیرالمومنین(ع) است. امام علی(ع)، قمری هست برای شمس رسول الله(ص) است.

در ادامه آیه به ضحی خورشید که گستردگی نور خورشید است قسم می‌خورد؛ به نسبت این که انسان در چه زاویه‌ای نسبت به خورشید قرار گرفته، با گستردگی نور خورشید مواجه می‌شویم. این ما هستیم که می‌چرخیم و وضعیت ما نسبت به خورشید تغییر می‌کند. ضحی هم یک زمانی هست که نور خورشید به بیشترین حد خود می‌رسد و هم گسترش نور خورشید است.

وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا ﴿٢﴾

و سوگند به قمر هنگامی که آن شمس را تالی شد، دنبالش رفت، تلاوتش کرد.

شاید یکی از مصادیقش منعکس کردن نور خورشید باشد. وقتی ماه را می‌بینید به واسطه نور خورشید آن را می‌بینید.

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَاهَا ﴿٣﴾

سوگند به روز...

روز موقعیتی هست که خورشید آن را در زمین به وجود می‌آورد. اگر زمین رو به خورشید باشد، روز می‌شود. روز وقتی که آن را جلوه داد؛ ممکن است منظور خورشید را جلوه داد، باشد و یا علامه(ره) می‌فرمایند که چون خود خورشید، زمین را روشن کرده، ممکن است زمین را جلوه داد، منظور باشد. بالاخره روز جلوه می‌دهد. در این آیه می‌فرماید روز چیزی را جلوه داد.

در سوره لیل، تجلی بود، جلوه داشت در اینجا می‌گوید جلوه می‌دهد.

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

و سوگند به شب وقتی که آن را می پوشاند؛ یا خورشید را می پوشاند، البته خورشید را که نمی پوشاند، در واقع در یک وضعیت قرار می گیریم که خورشید را نمی بینیم و یا شب، زمین را می پوشاند.

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

سوگند به آسمان و آنچه آن را بنا کرد؛ منظور از آنچه خداوند با عظمت است مثلا ما می گوئیم چه چیزی، چه خدای بزرگ و با عظمت و عجیبی.

بنا کرد یعنی سرهم کرد. کاری کرد که باعث شد سقف رفیعی بالاسر ما قرار بگیرد.

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾

و سوگند به زمین و آنچه آن را گسترده کرد. بستر زمین را پهن کرد تا ما بتوانیم روی آن زندگی کنیم. زمین موقعیت های مختلفی برای بهره مندی های گوناگون انسان دارد. طحاها به این اشاره دارد.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

و سوگند به نفسی باشکوه و خدایی که آن را تسویه کرد؛ با کلمه مساوی هم ریشه هست. تسویه به معنای هماهنگ کرد، است و همه چیزش با هم جور شد.

نفس یک جنبه ای دارد مربوط به طبیعت یا همان توان های جسمی انسان است، آدم خوابش می گیرد، گرسنه می شود. یک جنبه دیگر نفس، فطرت است، فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فطرت انسان به دستورات الهی گرایش دارد. به خدا ارتباط نزدیک دارد. طبیعت انسان با فطرش هماهنگ هستند. خداوند به نفس و هماهنگی که دارد قسم خورده است.

فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

پس به این نفس فجور و تقوا را الهام کرد.

فجور از فجر، شکاف همراه با آشکاری است. فاجر کسی هست که پرده دری می کند. یک شکافی می دهد و ناهماهنگی را بروز می دهد. فجور یعنی ایجاد شکاف در هماهنگی نفس.

تقوا از وقایه است. می‌گوییم وقنا عذاب النار از همین ریشه هست. یعنی نگه دار.

تقوا یعنی نگه داری کردن، حفظ کردن، مدیریت کردن.

خداوند فجور را بر نفس الهام کرده یعنی نفس می‌داند چه چیزهایی به او آسیب می‌زند؛ و الهام تقوا یعنی نفس می‌داند چه چیزهایی سبب مراقبت از خودش می‌شود؛ چه چیزهایی به او آسیب می‌زند و چه چیزهایی او را از آسیب حفظ می‌کند.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

در اینجا جواب همه قسم‌ها را می‌دهد، می‌فرماید هرکس نفس خود را تزکیه کرد به فلاح رسید و هر کس نفس خود را تدسیس کرد به ناامیدی و خیبه دچار شد.

زکّی فعل ماضی از مصدر تزکیه است. باید نفس را تزکیه کرد یعنی باید از آن مراقبت کرد و پاکش کرد. باید خرابی‌هایش را گرفت و پاکش کرد و مراقبت کرد که خوب رشد کند.

هرکس نفس خود را پاک کند، به صلاح و فلاح می‌رسد. پیروزی که یک حس رضایت به انسان می‌دهد.

دَسَّ فعل ماضی از تدسیس است به معنی پوشاندن. فرض کنید کسی از این گیاه خوشش نیاید، روی آن را بیوشانم که له شود، زیر پا گذاشتن و له کردن را می‌گویند. نفس باید در مسیر الهی شکوفا شود. اگر کسی لهش کند، بدبخت می‌شود. آدم فکر می‌کند که بازنده شده و به چیزهایی که فکر می‌کرد، می‌رسد، دیگر نمی‌رسد. خیلی وقت‌ها عملکرد ما باعث می‌شود که نفسمان را له کنیم مثلاً گناه نفس را له می‌کند. چرا خدا گفته گناه را انجام ندهید؟ آن کارها آسیب‌زا بودند که خدا گفته است گناه است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

در این آیات یک نمونه اجتماعی از این دسّ نفس را مطرح می‌کند.

در آیه ۸ الهام فجور و تقوا مطرح است. در آیه ۱۱ بحث طغی، شکستن محدوده‌ها و طغیان کردن مطرح است. قوم ثمود با طغوا تکذیب کرد. تکذیب یعنی دروغ دانستن حقایق، خود را با حقایق انطباق ندادن، قوانین زندگی را با حقیقت منطبق ندانستن.

این طغیان ثمود کجا بروز کرده؟

إِذْ أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

در یک جمع مهم است که چه کسی مطرح است. در جامعه آن‌هایی که مطرح هستند و به آن‌ها توجه دارند مهم هستند که چه کسانی هستند، آدم‌های باتقوا و عمل‌کننده به دستورات الهی هستند یا آدم‌های اهل طغیان هستند؟

طغیان قوم ثمود وقتی بروز کرد که شقی‌ترین آن‌ها، رذل‌ترین آن‌ها در جامعه برانگیخته شد؛ جامعه او را رو آورد. خیلی مهم است که ببینیم جامعه ما به چه کسانی توجه دارد و رو هستند و دیده می‌شوند و حرکت‌های اجتماعی را انجام می‌دهند.

شقی به معنای بدبخت است و در مقابل سعید است؛ در سوره لیل، اتقی و اشقی آمده، شقی مقابل تقی آورده شده است. به جهت عملکردی در مقابل تقی است و به جهت نتیجه، در مقابل سعید است.

قوم ثمود توانایی‌های زیادی داشتند. جایی زندگی می‌کردند که صخره‌های بزرگی داشته که آن‌ها را می‌تراشیدند و تالارهای یک پارچه وسیعی درون صخره ایجاد می‌کردند. در همین شرایط، مردم فقیر هم داشتند. سرزمین پر آب و مزارع کشاورزی داشتند. امکانات زیادی داشتند و فاصله طبقاتی در جامعه زیاد بوده است. خدا هم فراموش شده بوده و روی توانمندی‌های خودشان حساب باز می‌کردند. حضرت صالح (ع) از بین شان برانگیخته می‌شود، مردم می‌دانستند که حضرت صالح (ع) شخصیت مورد احترام و اعتمادی داشته است. حضرت به آن‌ها می‌گوید این امکانات را خدا به شما داده، این همه فاصله طبقاتی نباید باشد، چرا خدا را فراموش کردید؟ اگر به خدا توجه کنید بیشتر از این امکانات هم به شما می‌دهد. به ایشان می‌گویند: صالح تو که آدم حسابی بودی از تو توقع این حرف‌ها را نداشتیم. تو از کجا این حرف‌ها را می‌زنی و از حضرت می‌خواهند که یک شتر سرخ مو از دل صخره بیرون بیاورد. آن‌ها صخره‌ها را می‌تراشیدند و برایشان خیلی جالب بوده که از دل آن یک موجود زنده بیرون بیاید. ظاهراً بچه شتر می‌خواهند و بچه شتر هم می‌آید. خیلی معجزه بزرگی است ولی خوب نمی‌پذیرند. ظاهراً آب زیاد می‌خورده و یک زمان ویژه‌ای را برای آب خوردن آن اختصاص می‌دهند. این شتر هم در زمان‌های دیگر آب نمی‌خورده تا به مزارع برود. آن‌ها بهانه تراشی می‌کنند که یعنی

چی؟ چرا یک شتر آنقدر باید آب بخورد. مگر خودمان به این آبها کم نیاز داریم؟
تحمل اینکه نشانه خودشان را ببینند نداشتند. بالاخره آن را می کشند.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

باز حضرت شتر خدا و وعده آب خوردن آن را یاد آوری می کند، اما باز هم این یادآوری سودی نداشته و پیامبر خدا را تکذیب کردند و ناقه را پی کردند. پس از آن ماجرا، پروردگارشان، پروردگاری که همه موجودات را به سمت کمال سوق می دهد، بر آنها عذابی فرستاد، عذاب بر آنها به صورت مکرر بارید و سپس آنها را تسویه کرد و به این شکل به تعادل و هماهنگی رساند.

ذنب به گناه از جهت نتایجی که به دنبال خود دارد می گویند. عذابشان نتیجه گناهشان بود.

و خدا آنها را تسویه کرد همانطور که نفس را تسویه کرده است.

عالم کلا تسویه می کند. این آدم است که تصمیم می گیرد که وقتی عالم تسویه می کند، او همچنان به حیاتش ادامه دهد و یا از مسیر خارج شود و وقتی تسویه عالم اتفاق افتاد، حیاتش سلب شود.

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و خداوند از عاقبت آن نمی ترسد، ما باید از عاقبت آن بترسیم.

سوالات

✚ نفس را چگونه تزکیه کنیم؟

با رعایت احکام الهی. همین که به بایدها و نبایدهای الهی عمل کنید، نفس تزکیه می شود.

✚ قسمت آخر آیه ۱۴ را توضیح می دهید.

دمدم علیهم ربهم یعنی عذاب بارید بر آن‌ها، پروردگارشان. فرض کنید در رودخانه

آب جریان دارد اگر سوار قایق باشید و بخواهید در جهت آب حرکت کنید، به راحتی آب شما را می‌برد ولی اگر برعکس جهت آب بخواهید بروید، آب مانع حرکت شما می‌شود. در واقع مشکل از آب نیست، مشکل جهت حرکت شماست. اینجا هم به همین شکل است، ربشان، پروردگاری که همه موجودات را به سمت کمال سوق می‌دهد، هل می‌دهد، این‌ها چون خلاف جهت کمال حرکت می‌کنند، و خدا اینها را برعکس دارد سوق می‌دهد، انگار دارد آنها را به عقب هول می‌دهد. سوق به کمال ربشان باعث ریختن عذاب بر سر این‌ها شد.

بذنبهم، به خاطر نتیجه طبیعی عملکرد خودشان.

فسواها، به این وسیله خدا همه چیز را تسویه کرد و دوباره همه چیز را با هم هماهنگ کرد.

✚ من نمی‌توانم بعضی معجزه‌ها را باور کنم یعنی مثل آن‌ها طغیان دارم؟

نه شما ندیدید. فرض کنید در موبایل فیلمی به شما نشان می‌دهند که مردی روی صخره‌ای ایستاده و مردم هم دورش هستند، بعد صخره‌ها می‌ریزد و یک شتر از وسط آن بیرون می‌آید. می‌گویید ببین ببین صخره‌ها ریخت. بعد می‌گویی این را با نرم افزار درست کردند. می‌گویند نه این واقعی هست. آدم باید اعتمادش به قرآن بیشتر از گوشی موبایل باشد. حالا اگر باور نمی‌کند، حرف خدا را باور کند بعد از خدا بخواهد که یک اطمینان قلبی دهد، جوری که انگار این صحنه را دیده باشم. نگران نباشید، انشاءالله که طغیان ندارید. با قرآن بیشتر انس بگیرید، آن وقت آدم باور می‌کند و حس می‌کند که حقایق را دیده است و قوم ثمود این را دیدند.

✚ فرق اثم با ذنب چیست؟

هر دو به معنی گناه است ولی در ذنب، آثاری که گناه به جا می‌گذارد مدنظر هست. گاهی به غیر گناه که آثار بدی هم به جا می‌گذارد گفته می‌شود. اثم به کندی و تاخیری که باعث ضایع شدن حق دیگران می‌شود اشاره دارد. در اثم کندی و سستی نسبت به انجام فرامین الهی توجه دارد و در ذنب بحث آثار بدی که به جا می‌آورد.

تذکیر عالم یعنی چه؟

عالم تسویه دارد. تذکیر بیشتر برای انسان به کار می‌رود.

تسویه با عدل چه تفاوتی دارد؟

در سوره انفطار صحبت می‌کنیم. تسویه مرحله پشت سر خلقت است، خلق فسوی، چیزی ویژگی‌هایی پیدا می‌کند و ایجاد می‌شود، باید بهم بیایند. اگر بهم نیایند، خلقتش دچار مشکل می‌شود. تسویه، ابتدایی تر است بعد در مراحل بعد تعادل به تدریج اتفاق می‌افتد یعنی یک ناهماهنگی‌هایی در وجود انسان هست که با رشدش به اعتدال می‌رسند مثلاً اینکه حضرت یونس علیه السلام می‌گوید: انی كنت من الظالمین، انسان از ابتدا ظلوم است یعنی ظرفیتی برای اعتدال و عدالت دارد که باید پر شود ولی تسویه با خلقت اتفاق می‌افتد. اگر موجودی دستگاه گوارش برای گیاه خواری طراحی شده، سر و صورت و دندان‌ش هم باید متناسب با گیاه خواری باشد.

اهداف تربیتی سوره مبارکه شمس

سوره شمس سوره‌ای برای شکوفایی و اصلاح توان‌هاست.

چیزی که بچه‌های دبستانی از سوره شمس متوجه می‌شوند، بحث این است که توان‌هایی در انسان وجود دارد که این توان‌ها باید در انسان به بهترین نحو شکوفا شود و اگر انحرافی در آن‌ها بوجود آمده باید اصلاح شود.

پایه اول

وجه به عناصر هستی مانند ماه، خورشید، ستارگان، کوه و...

بچه‌ها را به عناصر هستی توجه می‌دهیم. بچه‌ها باید یاد بگیرند که خورشید بینند، ماه بینند، روز، شب، آسمان، زمین و عناصر مختلف. این‌ها را نشان می‌دهیم و می‌گوییم سوره شمس به ما یاد داده که این‌ها را ببینیم و بدانیم که این‌ها چقدر مفید و منظم کار می‌کنند.

سایه‌های خورشید را ببینند، چون به خورشید نمی‌شود مستقیم نگاه کرد، تغییرات ماه را ببینند، اول ماه چگونه است، وسط و آخرش که کوچک می‌شود.

به شب و ستاره‌هایش توجه کنند، به زمین و کوه‌ها و کلا عناصر مختلف رو به واسطه سوره شمس به آن‌ها نشان دهیم.

به بچه‌های کلاس اول مستقیماً نیازی نیست چیزی بگوییم. خودمان یادمان هست که سوره شمس سوره‌ای برای شکوفایی و اصلاح توان‌هاست. می‌دانیم که این عناصر را با سوره شمس به بچه‌ها نشان می‌دهیم برای اینکه توان‌هایشان اصلاح شود.

در کلاس اول همینقدر که بچه‌ها یاد بگیرند رویتشان و توجهشان به این پدیده‌ها فعال شود، باعث شکوفایی توان‌هایشان می‌شود و لازم نیست بگوییم سوره شمس سوره شکوفایی توان‌هاست.

پایه دوم

آشنایی تفصیلی تر با عناصری مانند خورشید و ماه و تأثیر آنها بر زندگی

این روند را با تفصیلی بیشتر ادامه می‌دهیم. به جزئیات بیشتر توجه می‌کنیم و به تأثیر این پدیده‌ها و طبیعت بر روی زندگی خودمان تمرکز می‌کنیم. اینکه شب و روز خیلی روی زندگی ما تأثیر دارد، شب برای کسب انرژی هست و روز برای صرف انرژی.

بچه‌های دوم دبستان در شب انرژی کسب می‌کنند و برای فردا برنامه‌ریزی دارند در این حد که کیفشان را شب قبل آماده کنند.

مثلاً همین که تغییرات ماه، ماه را بوجود می‌آورد. مثلاً خوب است بچه‌ها را با ماه قمری آشنا کنیم و توجهشان دهیم. مثلاً اینکه وقتی ماه هلال است ماه شروع می‌شود وقتی ماه کامل است وسط ماه قمری است و وقتی ماه کوچک می‌شود به آخر ماه نزدیک می‌شویم.

وقتی با مفهوم ماه قمری آشنا می‌شوند با مفهوم ماه رمضان و ماه محرم نیز آشنا می‌شوند. با ایام حج، ماه ذیقعد و ذیحجه و مناسبت‌های این ماه‌ها آشنایشان می‌کنیم.

مثلا در مورد برف‌های روی کوه برایشان می‌گوییم. اینکه زمستان بر روی کوه‌ها برف می‌نشیند. کم‌کم آب می‌شود و در فصول بعدی رود را تشکیل می‌دهد و ما از آب آن استفاده می‌کنیم.

این عناصر مربوط به زمین و آسمان، ابر و باد و ماه و خورشید و... هر کدام بر زندگی‌مان تاثیر می‌گذارد.

پایه سوم

شکوفای کردن توان‌های موجود به واسطه جهت‌دهی و مهار آن‌ها

تا پایه دوم بهترین قالب آموزش، بازی است اما از پایه سوم امکان اینکه با بچه‌ها گفت و گو صورت بگیرد، وجود دارد. البته در پایه‌های قبلی نیز این امکان هست اما کمتر از پایه سوم به بعد.

در این پایه خود بحث شکوفای کردن توان‌ها را می‌توانیم از سوره شمس به بچه‌ها بگوییم. البته با همان توجه به عناصر طبیعت. در مورد عناصر طبیعت با آن‌ها صحبت می‌کنیم و در نهایت می‌گوییم که انسان یکسری توان‌ها دارد که باید شکوفا شود.

بچه‌های پایه سوم باید توجه داشته باشند که یکسری توان‌های اولیه‌ای دارند که این توان‌ها، برای شکوفای شدن باید اول یک مرحله رهاسازی داشته باشند، بعد توان‌هایشان را با چهارچوب دادن و جهت‌دهی شکوفا کنند. از این جا به بعد شکوفایی توان‌ها نیاز به جهت‌دهی دارد.

اگر بستر مناسب باشد و خانواده محیط امنی داشته باشد که بچه‌ها احساس امنیت کنند و محبت دریافت کنند، این فضاییست که بچه‌ها توان‌هایشان شکوفا می‌شود و رها سازی حاصل می‌شود و اگر بچه‌ها در دوره اول رشد این سطح از آزادی را نداشته‌اند باید در دوره دوم رشد جبران شود.

در دوره دوم رشد که کم‌کم از سنین حدودا ۹ سال که دخترها به سن تکلیف می‌رسند و پسرها هم از همین سنین باید دعوت به نماز شوند، (که البته در روایت داریم بچه‌ها فارغ از جنسیت باید در سن ۷ سال دعوت

به نماز شوند.) باید بچه‌ها بروند به سمت اینکه آن آزادی و رها بودنی که باعث شده توان‌هایشان بروز پیدا کند حالا با چهارچوب دادن و مهار کردن و جهت دهی، توان‌هایشان را شکوفا کنند. پس در این پایه سوره شمس را اینگونه معرفی می‌کنیم: سوره شمس سوره ایست که از ما می‌خواهد توان‌هایمان را با جهت دهی مهار کنیم تا شکوفا شود.

برای بهتر تفهیم شدن این موضوع، خطاطی و خوشنویسی برای این سن فعالیت مناسبی است. خوشنویسی خیلی این ویژگی را دارد. یعنی باید همه چی هماهنگ شود. همان تزکیه‌ای که در سوره مبارکه شمس مطرح است. شما وقتی خط را می‌نویسی برای اینکه این زیبا باشد ضمن اینکه شما باید این حرف را بنویسید، به زیبایی‌اش هم باید توجه کنید. حتما باید در چهارچوبی باشد و اگر از قاعده خود خارج شود دیگر آن زیبایی را ندارد و مفهوم تزکیه را ندارد. یعنی قلم و دست باید کنترل شود تا زیبایی خط مشخص شود.

پایه چهارم

جهت‌دهی و اصلاح توان‌ها با عرضه آن‌ها به دیگران و دریافت واکنش‌های جمعی

حالا باید توانایی‌های شکوفا شده‌شان را به سمت اصطلاح ببرند. اینطور که باید این توان‌ها را در جمعی که جمع سال است، ببرند و آن توان‌ها را عرضه کنند. مثلا اگر نقاشی خوبی می‌کشند آن را در جمعی نشان می‌دهند و نظرات را دریافت می‌کنند که البته باید مراقب بود این نظرات حس بدی به بچه‌ها منتقل نکند. از طرفی بچه‌ها کم‌کم باید یاد بگیرند که انتقاد پذیر باشند و نظرات را گوش دهند. به همین ترتیب عرضه توان‌ها به جمع و دریافت نظرات جمع، که کم و کاستی‌ها و یا زیبایی‌های کار را عنوان می‌کنند توان‌ها اصلاح می‌شود. پس با عرضه توان‌ها و دریافت بازخورد از جمع توان‌ها اصلاح و شکوفا می‌شود.

پایه پنجم

رعایت آداب و قوانین مربوط به توان‌ها برای جلوگیری از آسیب‌زا شدن آن‌ها

در این پایه، موضوع تقوا است، حتی اگر خود تقوا را به بچه‌ها نگوییم. تقوایی که

در اینجا مطرح هست منظور روگرفتن و نمازخواندن نیست البته که اینها هم تقوا هست، اما بیشتر تقوایی که در اینجا مطرح می‌کنیم تقوای عملی در زندگیست یعنی مدیریت توان‌ها. چون تقوا هم همین است که انسان به واسطه رعایت احکام الهی توان‌هایش را مدیریت کند.

از سوره شمس یاد می‌گیریم که این توان‌های شکوفا شده باید مدیریت و جهت دهی شوند و نباید اجازه داد که این توان‌ها به سمت منفی برود. مثلاً کسی که قدرت بدنی زیادی دارد اگر در جهت منفی از آن استفاده کند این توان آسیب‌زا شده است.

در این پایه باید به برکت سوره شمس جلوی آسیب‌زا بودن توان‌ها گرفته شود. وقتی آداب و حدود و قوانین الهی توسط معلم به بچه‌ها منتقل می‌شود و آن‌ها آن آداب را رعایت کنند جلوی آسیب‌زا بودن آن‌ها گرفته می‌شود.

مثلاً وقتی بچه‌ای می‌تواند خوب صحبت کند باید آداب آن را هم رعایت کند و نباید مثلاً با مسخره کردن همراه باشد. با رعایت آداب هر چیزی آن مهارت، آسیب‌زا نخواهد بود.

پایه ششم

افزایش روحیه انتقادپذیری در بستر شکوفایی توان‌های جمعی

در این پایه بچه‌ها باید به سمت شکوفایی توان‌های جمعی بروند. لازم است تمام مطالب پایه‌های قبل به آن‌ها منتقل شود و در پایه ششم باید هرکس توان‌هایش را به جمع ببرد تا توان‌های جمعی‌اش شکوفا شود. با این کار توان‌های گروه شکوفا می‌شود.

انسان‌ها در وجودشان حالت فرد گرایی را دارند که باید تبدیل به جمع گرایی شود، برای اینکه بچه‌ها بتوانند توان‌هایشان را به سمت توان جمعی ببرند، باید انتقادپذیر باشند. بچه‌ها باید یاد بگیرند که باهم تعامل خوبی

داشته باشند که به واسطه این تعامل بتوانند توان‌شان را خرج جمع کنند، ماهم

باید کمکشان کنیم که جهت‌گیری‌های درستی داشته باشند و آداب را رعایت کنند که توان‌شان آسیب‌زا نشود.

البته اگر بچه‌ها این سیر را طی کرده باشند و تا مرحله قبل با رعایت آداب، جلوی آسیب‌زایی را گرفته باشند و با توان و تقوای خود و انتقادپذیری مناسب وارد جمع شوند ان‌شاءالله در جمع هم جلوی آسیب‌زا بودنش گرفته می‌شود.

طراحی فعالیت

اردویی که با چهارچوب‌های سوره هماهنگ باشد. مثلاً اردویی که بشود به بچه‌ها آسمان شب را نشان داد.

سوالات

✚ برای کلاس اول و دوم و اثر خورشید و ماه و اینکه اگر نبودند چه اتفاقی برای بشر می‌افتاد، مناسب

است؟

بله، خیلی خوب است

✚ در پایه چهارم اینکه هرکدام از بچه‌ها چه مهارت‌هایی دارند آن را در کلاس به صورت روزنامه دیواری

ارائه دهند و هم‌کلاسی‌های دیگر یاد بگیرند و نظر بدهند و مربی نقش تسهیلگر را داشته باشد.

و برای کلاس پنجم هم می‌شود در مورد توان دانش‌آموزان در کلاس بحث کرد و هم اینکه سوال

شود که اگر دانش‌آموزی ورزشکار است می‌تواند برای آزار دوستش از آن استفاده کند...؟

فرمایش خانم احمدی خوب است اما هرچه جنبه‌های منفی را کمتر واضح و مطرح کنیم بهتر است. یعنی

مثلاً برای اینکه زشتی مغرور بودن شاگرد کلاس اول یا آزار دادن دوست توسط ورزشکارش معلوم

شود، بهتر است بگوییم کسی که ورزشکار است چگونه مهربانی می‌کند و آن شاگرد کلاس اول چگونه فروتنی دارد و در واقع در مورد زیبایی‌های موضوع صحبت کنیم، بهتر است.

✚ در سوره فجر هم می‌توان با مفهوم ماه قمری آشنا کرد؟

در سوره فجر باید به سمت هدف اصلی‌تر سوره فجر می‌بریم.

✚ چگونه توجه به هستی توان‌ها را شکوفا می‌کند؟

توانی که در بچه‌های پایه اول و دوم باید فعال شود، توان دیدن و شنیدن است. اصلاً تفکرشان با دیدن و شنیدن شکوفا می‌شود. این شکل حداقلی این موضوع است که این حداقل هم خیلی باشکوه است.

✚ در پایه ششم توانایی جمعی را باید تقویت کنند یا هرکس توان فردی خودش را در اختیار جمع قرار

دهد؟

اگر بشود هرکسی توان خودش را در اختیار جمع قرار دهد، بهتر است ولی باید فعالیت‌هایی طراحی شود که بتوانیم بچه‌ها را جهت دهی کنیم که هرکس هر توانی دارد در جمع بکار ببرد مثلاً اگر کسی انشای خوبی دارد از نوشتنش استفاده کند. بعد بچه‌ها بتوانند یک همایشی برگزار کنند که هرکسی از توان خودش بتواند در جمع استفاده کند.

✚ در پایه چهارم به تناسب درس ۸ علوم بچه‌ها را آسمان نما می‌بریم.

بله خوب است فقط یادمان باشد که این بخشی از هدف سوره شمس است که به پایه‌های قبل مربوط است. منتها این را سوق دهیم ببریم به سمت اینکه توان‌هایشان شکوفا و اصلاح شود. اما در کل این کار خوبی است.

✚ در پایه چهارم چون مبحث فضا در کتاب علوم آمده می‌توانیم با نشان دادن تصاویر جذاب از خورشید

و ماه بچه‌ها را علاقه مند به قرآن کنیم.

خیلی خوب است ولی یادمان نرود از همین باید استفاده کنیم و ببریم به سمت شکوفایی و اصلاح توان‌ها.

🌟 در کلاس ششم بچه‌ها گرایش جمعی شان بیشتر حالت خودنمایی دارد

و انتقادپذیریشان پایین است برای بهبود چه باید کنیم؟ اخیرا به خاطر کرونا در فضای مجازی تشکیل گروه می‌دهند و دوستانشان را وارد می‌کنند، موضوع گروه‌ها هنری- درسی و اینها باشد بنظرتان مناسب است؟ و می‌تواند باعث روحیه جمعی و انتقادپذیرشدنشان شود؟

کلا فضای مجازی برای بچه‌های دبستان چیز خوبی نیست برای بزرگترها هم جای بحث دارد. اما برای ایام کرونا ناگزیریم از این چیزها استفاده کنیم. ولی بطور کلی دو نکته وجود دارد : ۱. ممکن است بچه‌های ششم ما آنقدر سطحشان پایین باشد که ما نتوانیم اهداف پایه ششم را در هر سوره‌ای با آنها کار کنیم. پس آنها را در پایه ششم در هر سطحی از این اهداف تربیتی که می‌توانستیم بالا می‌آوریم تا ان شاء الله بعدا رشدشان ادامه پیدا کند. اما اگر بچه‌ها ظرفیتشان را داشتند می‌توانیم خوب پیش برویم. ۲. بله بچه‌ها انتقادپذیریشان پایین است به برکت سوره شمس می‌شود این انتقادپذیری را زیاد کرد. مباحث قبلی سوره شمس را به آنها یاد می‌دهیم و از خواندن و شنیدن و تاثیر سوره شمس استفاده کنیم و کم کم یادشان دهیم که با جمع می‌توانند خودنمایی کنند و بروزات جمعی داشته باشند. فضای مجازی هم در حد ضرورت موردی ندارد ولی بهتر است تشویقشان نکنیم.

🌟 گاهی نشان دادن تصویر هم بچه‌ها را به هدف ما می‌رساند و عکس تصویر با بچه‌ها صحبت می‌کند.

بله همینطور است.

🌟 برای پایه ششم می‌توانیم با اجرای یک برنامه خود بچه‌ها متناسب با توانایی و استعدادشان گروه‌هایی

تشکیل دهند مثلا گروه نمایش، گروه دکور.

بله این کار خیلی خوبی است و خیلی به مدل سوره شمسی نزدیک است البته به سوره‌های دیگر هم می‌خورد اما برای سوره شمس هم مناسب است.

🌟 سوره لیل و شمس باید پشت سرهم و باهم تدریس شوند؟

خیر الزامی ندارد. اگر بخواهیم به ترتیب جلو رویم اول سوره لیل است و بعد شمس.

ولی اگر غیر از این هم شود مانع جدی وجود ندارد.

✚ برای ششم از دانش آموزان بخواهیم که هر دونفر یک خودکار را بگیرند و بدون صحبت کردن و اینکه خودکار را از صفحه بردارند نقاشی بکشند و در آخر به دیوار بچسبانند و بقیه نظر بدهند. با این کار یاد میگیرند اگر کار را با مشورت و همکاری آگاهانه انجام دهند بهتر از نقاشی می شد که روی دیوار نصب کردند و ارزش کار گروهی را یاد می گیرند.

پیشنهاد خوبی است و علاوه بر سوره شمس برای بعضی سوره های دیگر هم مناسب است.

✚ بعنوان نمونه می توانیم از زندگی نامه شهدا استفاده کنیم مثلا شهید ابراهیم هادی توان بدنی بالایی داشتند و از این توان خیلی خوب استفاده و مهار می کردند.

بله برای بچه های سوم و چهارم خیلی خوب است و به مفهوم سوره شمس خیلی نزدیک است.

✚ رسم اشکال هندسی در ریاضی با عرضه به دیگران و دریافت واکنش از دیگران البته با تسهیلگری معلم.

بله، فعالیت خوبی است.

✚ آیا در سوره فلق کار دانشمندان همان پیدا کردن راه جواب در سختی و مشکلات است؟ و دیدن فیلم زندگی دانشمندان و شهدا و مبارزان خوب است؟

بله، در پایه دوم سوره مبارکه فلق بچه ها باید انواع برخوردهای درست و راهگشا با مشکلات را می دیدند. حالا ممکن است دانشمندی و یا یک شخصیت بزرگی مثل یک شهید برخورد درست با مشکلات کرده باشد و آن را به خوبی حل کرده باشد. منتها کلیت سوره را باید یادمان باشد و آن چیزی که مطرح می کنیم منافاتی با کلیت سوره نداشته باشد. یک مثال اینکه سوره مبارکه کافرون سوره نه گفتن بود. سوره مبارکه مسد مبارزه با دشمن و جلوگیری از آسیب. حالا مثلا فیلم کوتاهی تهیه شده بود که سوره کافرون را سوره ای برای نه

گفتن و برائت نشان بدهد. اینطوری بود که موشکی از زمین فاصله می‌گرفت و

معلم مفهوم نه گفتن را نشان می‌داد که این موشک به زمین نه می‌گوید و به بالا می‌رود. اینکه نه گفتن به جاذبه با نه گفتن سوره کافرون چقدر فرق دارد خیلی مهم نیست، قسمت مهم فیلم این بود که موشک برای ناسا بود و در کنار این سکوی پرتوی پرتاب موشک پرچم آمریکا بود که به اهتزاز در آمده بود یعنی بیشتر از بالارفتن موشک، آن پرچم مشاهده می‌شد. یعنی این با غرض کلی سوره که یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون منافات دارد. یعنی باید دقت کنیم با فعالیت‌هایی که طراحی می‌کنیم غرض کلیمان را زیرسوال نبریم. در سوره فلق هم حواسمان باشد که ما می‌خواهیم از ضرر و شر فاصله بگیریم و پناه ببریم به خدا.

✚ چطور در مورد ارتباط سوره شمس با شکوفایی توانایی‌ها، مستقیماً با بچه‌های سوم به بالا می‌شود

گفت و گو کرد؟

ما می‌گوییم سوره شمس دارد در مورد شکوفایی توان‌ها صحبت می‌کند ترجمه سوره را برایشان نمی‌خوانیم. ترجمه سوره برای بچه‌ها بار آموزشی ندارد و فقط ذهن آن‌ها را خسته می‌کند. سوره شمس را برایشان می‌خوانیم و بعد می‌گوییم، می‌دانید سوره شمس به ما چه چیزی را یاد می‌دهد؟ اینکه ما توان‌هایمان را باید شکوفا کنیم و در جهت درست ببریم و اصلاحشان کنیم تا از آن‌ها بتوانیم استفاده کنیم.

✚ در سوره توحید هم بیشتر توجه به آفریده‌های خداست که اشتراک با سوره حمد و شمس دارد که

این اشتراک هنوز برای من مشخص نشده است.

لزومی ندارد که اینها را خیلی از هم تفکیک کنید. سوره‌های قرآن همه حقایقی را مطرح می‌کنند که اشتراک دارند ولی این را توجه بفرمایید که سوره توحید سوره شناخت خداست. البته خدا را با مخلوقاتش می‌شناسیم. مخلوق را می‌بینیم تا خدا را بشناسیم. سوره حمد سوره تحسین کردن است. زیبایی بینیم، به به بگوییم و یاد بگیریم که ما هم رفتارمان زیبا باشد. بالاخره ما مخلوق می‌بینیم. حالا این مخلوق در سوره توحید جهت‌ش شناخت خدا و در سوره حمد جهت‌ش به به گفتن و در سوره شمس جهت شکوفایی توان‌هاست. اینها جهت‌هایشان باهم فرق دارد.

تا چه حد انتقادپذیری منجر نمی‌شود که بچه‌ها از ارائه هنرشان ناامید

نشوند؟ وقتی ایراد کارشان را می‌گیریم تاثیر منفی رویشان می‌گذارد؟

اینها را باید ما مدیریت کنیم و مراقب باشیم که این اتفاق نیفتد و البته بچه‌ها بخصوص در پایه ششم باید از این نظر پوستشان کلفت شود. خود همین اتفاق برایشان خیلی مفید خواهد بود. سوره شمس همین آسیب را معرفی می‌کند که یک قومی هست که نتوانستند خودشان را کنترل کنند و یک عده انسان‌های ناجور قوم جهت گرفتند و همه به همان سمت رفتند.

برخی از دانش آموزان که حافظ نیز هستند رفته‌رفته علاقه‌شان به قرآن کم می‌شود. چه راهکاری

پیشنهاد می‌کنید؟

حفظ وقتی که حالت خشک داشته باشد و بچه‌ها چیزی از قرآنی که حفظ می‌کنند متوجه نشوند و ارتباط قرآن را با زندگی متوجه نشوند بطور طبیعی علاقه‌شان کم می‌شود. در فهم قرآن بچه‌ها وقتی سوره‌ها را می‌خوانند و مفاهیمش را متوجه می‌شوند و ربط سوره‌ها را با زندگی خود می‌بینند، روز به روز به قرآن علاقه مند تر می‌شوند.

با توجه به هدف پایه چهارم می‌شود گفت کلاس‌های آموزشی مثل نقاشی از پایه چهارم خوب است

و قبل از آن مورد نقد قرار بگیرند آسیب دارد؟

خیر می‌شود یاد بگیرند ولی مورد انتقاد به اون معنا قرار نگیرند. بچه‌های کوچک هرچه می‌کشند باید تشویق شوند. بزرگترها هم همینطور هستند نباید خیلی مستقیم از آنها ایراد گرفت و باید ملایم با آنها برخورد کرد.

تجربه یکی از معلمین: بچه‌ها سوره یس را حفظ می‌کردند به آیات رجل یسعی که رسیدند خودشان

گفتند می‌خواهیم نمایش این داستان را بازی کنیم و خودشان هم نقش‌ها را تقسیم کردند اما برسر

نقش رجل یسعی دعوا شد. نمی‌دانستم باید چکار کنم به کسی که توان بازیگری بهتری داشت

حسادت می‌کردند و نمی‌گذاشتند رجل یسعی باشد.

این موضوع طبیعی است. خود موضوع رجل یسعی برای بچه‌های دبستانی خیلی

ماجرای ملموسی نیست حتی اگر نقش را بازی کنند. ما معلم‌ها باید دقت کنیم فهم بچه‌ها را با اینکه ظاهر چیزی را دریافت کنند و ادامه بدهند اشتباه نکنیم. رجل یسعی یک حقیقتی دارد که برای بچه دبستانی قابل درک نیست. که یک انبیایی هستند که افراد این را نمی‌پذیرند و یک مردی هست که از انبیا دفاع می‌کند که در نهایت شهید می‌شود. مفهوم راه دفاع از انبیا برای بچه‌ها خیلی قابل درک نیست و آسیب می‌تواند این باشد که چون در بچگی این را شنیده‌اند بعداً اثرش کم‌رنگ شود. مباحث در حد خودشان را بهتر است برایشان مطرح کنید.

✚ فرمودین سوره ناس سوره سرعت است اما بعد گفتین سوره به تاخیر نینداختن کارهاست. حال ما

فعالیت‌های سرعتی انجام می‌دهیم که این تقویت سرعت است نه به تاخیر نینداختن کارها؟

اشکالی ندارد همین کار هم درست است. در آموزش سوره ناس پایه اول در حد همین که بچه‌ها تند کارهایشان را انجام دهند، خوب است. در پایه‌های بالاتر می‌شود به تاخیر نینداختن. سوره عادیات هم بیشتر، سوره هماهنگی است. سرعت همراه با هماهنگی موضوعیت دارد ولی سوره ناس سوره تاخیر نینداختن است که برای بچه‌های کلاس اول فعالیت‌هایی که طراحی می‌کنند همان فعالیت‌های تندتند انجام دادن کارهاست و اشکالی ندارد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم